

چرایی تصمیم دولت برای تغییر سیاست ارزی و اعطای حمایت های جدید اجتماعی

دکتر علی ربیعی؛ دستیار اجتماعی رییس جمهور



تصمیم دولت برای حذف ارز ترجیحی و اختصاص کالا برگ به شهروندان با دو هدف طراحی و دنبال شده است که هر کدام از این اهداف وجوه بسیار استراتژیک و مهمی در ساخت اقتصادی و معیشتی کشور دارند؛ هدف اول تقویت قدرت خرید اقشار مختلف مردم است تا در این شرایط خاص شاهد افزایش تاب آوری معیشتی خانوارها باشیم. در دل همین هدف بحث دوم یعنی جلوگیری از رانت ها و سوء استفاده هایی نهفته است که ارز ترجیحی برای برخی افراد خاص ایجاد می کرد.

در برخی مقاطع تا حدود ۴۰ میلیارد دلار به صورت سالانه ارز برای بخشی از کالاهای مورد نیاز اختصاص می دادیم اما در نهایت همواره شاهد تورم و افزایش قیمت ها بودیم تا جایی که گاهی قیمت بخشی از کالاهای تأمین شده با ارز ترجیحی در داخل با احتساب قیمت دلاری با قیمت همین کالا در کشورهای اروپایی برابری داشت. حتی زمانی که مجموع ارز اختصاص داده شده به این موضوع به سطح ۱۵ میلیارد دلار نیز رسیده بود باز هم شاهد این پدیده بودیم که نشان می داد ارز ترجیحی در فرآیند تخصیص خود به مسیری می رود که اهداف اولیه اش را تأمین نمی کند. به عبارتی در شرایطی که کشور منابع قابل توجهی را با هدف افزایش قدرت خرید مردم به تأمین ارز ترجیحی اختصاص می داد، همچنان قیمت کالاهای مشمول این طرح در محدوده ارزش متناظر آنها با دلار آزاد بود.

در دولت چهاردهم یکی از مشکلات جدی این بود که اساساً ارز زیادی برای تخصیص وجود نداشت. یکی از دلایل اصلی آن نیز کاهش درآمدهای ارزی کشور بود که دلایل مشخص و روشن خود را دارد اما دولت چهاردهم با هدف پرهیز از حواشی، کمتر درباره آن صحبت کرده است. با توجه به این کاهش درآمد ارزی راهی نبود جز اینکه تصمیم گرفته شود تا از ارز موجود در کشور بهترین استفاده ممکن بشود. آنچه رخ داده اصلاح ساختاری مهمی است که قرار بوده حداقل از سه دولت قبل شروع شود و بنا به دلایلی هر بار به تعویق افتاده بود. در نتیجه، تحقق دو هدف یاد شده، هدف سومی نیز محقق می شود که آن هم نزدیک تر کردن جامعه به عدالت بیشتر در ضریب جینی است. یکی

از فاکتورهای مهم عدالت در شرایط کنونی این است که اگر با فشار بر منابع مالی کشور، ارزی هم برای برخی کالاها اختصاص پیدا می کند این ارز در نهایت منفعت مصرف کننده نهایی را تأمین کند و کسی در این میان انتفاع دیگری از این موضوع نداشته باشد. حال آنکه می دانیم درست عکس این فرآیند رخ می داد و همین پول های بادآورده ناشی از مسیر تخصیص و مصرف ارز ترجیحی به دلیل ایجاد گروه های منتفع تازه، احساس فساد و تبعیض را در کف جامعه به شکل مضاعف افزایش می داد.

بر همین اساس دولت با اصلاحی که انجام داد هم از یک سو به دنبال کنترل بهتر تورم و حذف واسطه های زاید در مسیر تأمین کالاهای مشمول ارز ترجیحی بود و هم در صدد افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی کشور.

به طور کلی بحث کنترل تورم در دولت چهاردهم چه به عنوان یک پروژه اقتصادی و چه به عنوان یک پروژه اجتماعی به شکل بنیادین مدنظر سیاست گذاران بوده است و در این طرح نیز چشم انداز ناظر به کنترل تورم فعلی طی ماه های آینده دنبال می شود. نکته بسیار مهم و لازم به تأکید این است که مطالعات این طرح از بیش از ۶ ماه پیش آغاز شده بود و برای رسیدن آن به پختگی لازم علاوه بر مشارکت بخش های مختلف در اعلام نظر برای آن، چند بار نیز بین دولت و مجلس رفت و آمد داشت. این بدان معناست که هر چند اقدام به اجرای این طرح از شرایط کنونی آغاز شده است اما دولت از ماه ها قبل برای این کار مشغول برنامه ریزی و آماده سازی های لازم بوده است. این از آن جهت مهم است که معمولاً در کشورها طرح هایی که دارای پشتوانه بررسی قوی و زیرساخت های اجرایی مناسب نبودند در نهایت به مشکلاتی برخورد می کردند. مهم تر اینکه بدانیم این طرح نه واکنش دولت به یک شرایط خاص بلکه برنامه اساسی دولت برای اصلاحات اقتصادی و ساختاری بوده است. در فرآیند بررسی های ۶ ماهه از جمله این مورد مد نظر دولت بود که بعد از تثبیت تورم، مبالغ اختصاص یافته به خانوارها بتواند پوشش بهتری برای هزینه های آنها داشته باشد، لذا یکی از مسائل اصلی مورد توجه در این طرح تلاش ها برای تثبیت و کنترل تورم بوده است. همچنین پیش بینی شده که آمارهای شفاف تر و گزارش های دقیق تری از میزان مبالغ ارزی و ریالی اختصاصی برای حفظ قدرت خرید خانوارها به جامعه داده شود. یعنی دقیقاً یکی از همان اشکالات بنیادینی که در مسیر اختصاص ارز ترجیحی وجود داشت و باعث هدر رفت منابع بسیار زیادی از درآمدهای عمومی کشور شد. در این طرح جای امیدواری است که حتی هزینه دلاری خانوارها نیز به شکلی کنترل و سطح معیشت عمومی تا جای ممکن حفظ شود.

نکته مهم این است که موفقیت این طرح در گرو دو عامل بسیار مهم «همراهی مردم» و «همراهی نهادهای مختلف حاکمیتی» است. همراهی مردم نیازمند ایجاد اعتماد از طریق عواملی چون افزایش شفافیت و تثبیت و بهبود قدرت

خرید آنها در طول زمان است. مردم ما نیز نشان داده‌اند که همیشه با هر قدمی که از سوی دولت و حاکمیت به سمت آنها برداشته می‌شود، چند قدم جلو می‌آیند و همکاری می‌کنند. در عین حال هر تصمیم در هر حاکمیتی نیازمند سطحی از توافق سیاسی و اجرایی است. نکته امیدوارکننده این است که درباره این طرح گفت‌وگوهای پیشینی با اضلاع مختلف حاکمیت صورت گرفته و در درون دولت نیز تا جای ممکن دستگاه‌ها هماهنگ شده‌اند. هر گونه اقدام اجرایی در این سطح بدون شک در مقاطع مختلف نیاز به آسیب‌شناسی مستمر و اصلاح خواهد داشت. اینجاست که باید امیدوار بود این نیاز به آسیب‌شناسی اشکالات احتمالی و اصلاحات بعدی با دقت و تدبیر جریان‌های سیاسی تبدیل به محل جدید یک منازعه سیاسی نشود. چرا که بدون شک خصوصاً در شرایط کنونی ایران که همگان بر آن آگاه هستند، چنین منازعه‌ای به سرعت ابعادی دیگر نیز پیدا کرده و کل سرمایه اجتماعی کشور را هدف قرار می‌دهد. همچنان که هر گام موفق در اجرای این طرح به نفع بهبود در سرمایه اجتماعی کل حاکمیت و کشور خواهد بود.

ماخذ: روزنامه ایران، ۱۶ دی ۱۴۰۴، با عنوان ۶ ماه مطالعه و تحقیق، پشتوانه طرح دولت

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تاریخ انتشار در سامانه کمیسیون: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶